

## بررسی ثبات سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تاکید بر شاخص مشارکت سیاسی

دکتر مسعود جعفری نژاد (استادیار گروه دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا)

فرود شفیعی<sup>۱</sup> (دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا)<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش در پی یافتن این پرسش است که ثبات سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه جایگاهی دارد؟ برای پاسخ گوئی به این پرسش فرض شده است که مشارکت سیاسی مردم از طریق متغیرهای واسطی که عامل بی ثباتی هستند می توانند بر ثبات سیاسی تاثیر گذار باشند مانند تغییر بخشی از قوانین برای مشارکت مردم و تغییر و اصلاح قوانین مربوط به تبلیغات انتخاباتی و استفاده از ظرفیت رسانه ای. برای آزمون فرضیه این پژوهش مفهوم ثبات و بی ثباتی سیاسی با استفاده از رویکرد های مختلف تشریح شده و سپس عوامل موثر بر ثبات سیاسی شناسایی خواهد شد. این نوشتار به دنبال تبیین جایگاه ثبات سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بیان مکانیزم های موجود در آن برای حضور در عرصه های سیاسی مشارکت جویانه است. قانون اساسی در اصول مختلف (مانند ۶، ۷، ۲۶، ۲۷، ۶۲، ۸۷ و...) نحوه میزان و روش های مشارکت سیاسی و به طبع آن ثبات سیاسی را مشخص کرده است که می توان آن را در ذیل چهار محور کلی احزاب، گروه های نفوذ، انتخابات و رسانه ها مورد بررسی قرار داد. قانون اساسی در اصل ۲۳ نیز آزادی های داده شده و مشارکت مورد نظر را تضمین کرده است که بر همین اساس، نهاد های مختلف نظام شکل گرفته و با رای با واسطه یا بی واسطه مردم تشکیل شده و مسئولان آن انتخاب شده است. پژوهش حاضر با عنوان «نقش ثبات سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تاکید بر شاخص مشارکت سیاسی» در صدد بررسی عوامل اصلی منجر به دیرپایی و تداوم ثبات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است که این تداوم در گرو مشارکت سیاسی مردم می باشد.

کلید واژه: مشارکت سیاسی، ثبات سیاسی، انتخابات، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قانون اساسی.

۱. درس جامعه شناسی سیاسی ایران کد ۲۸۹۱۰۵ نیمسال اول ۱۳۹۶-۱۳۹۷.

## مقدمه:

ثبات سیاسی دارای شاخص های گوناگونی مثل: دموکراسی، آزادی های مدنی، شفافیت و مبارزه با فساد، پاسخگویی و کارآمدی، رفع تبعیض علیه زنان، شایسته سالاری و مشارکت سیاسی می باشد. در پژوهش حاضر به نقش و جایگاه مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مهمترین شاخص های ثبات سیاسی در الگوی اسلامی ایران پیشرفت پرداخته خواهد شد. اگر حاکمیتی از لحاظ سیاسی و در زمان معقولی استمرار داشته باشد، این حکومت دارای ثبات سیاسی است. اما نکته‌ی اصلی در موضوع ثبات سیاسی عوامل مؤثر در ایجاد ثبات سیاسی در یک سیستم است. اولین مؤلفه‌ی تعیین کننده در ثبات سیاسی، نقش مردم در یک سیستم و نظام سیاسی است. یعنی اگر مردم از یک نظام سیاسی پشتیبانی و حمایت کرده و آن را با همان مؤلفه‌ها و ارزش‌ها استمرار بخشند، آن نظام از ثبات سیاسی برخوردار خواهد بود. به طوری که عامل مردم را از مهم ترین عوامل ثبات سیاسی قلمداد می کنند. البته شاید یک نظام استبدادی هم بتواند با به کارگیری انواع فشارها حاکمیت خود را تا حدودی استمرار بخشد اما نمی تواند برای درازمدت از ثبات سیاسی برخوردار شود. در خصوص ثبات سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران همان طور که رهبر انقلاب بیان کردند، علت اصلی همین اعتماد و حضور مردم است. این مهم باعث شده که نظام ما بیش از سه دهه و علی رغم همه‌ی تهدیدات و تحریم‌ها و فشارها از ثبات سیاسی برخوردار باشد. حضور همیشگی مردم در عرصه‌های مختلف جامعه نظیر انتخابات است و حمایت قاطع مردم از نظام مهر تأییدی بر این مسئله است. به طور مثال مشارکت

حدود ۸۵٪ در انتخابات گذشته - گرچه برخی تلاش کردند آن را با فتنه‌انگیزی مورد خدشه قرار دهند - در استمرار ثبات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی محسوب می‌شود.

بسیاری از صاحب نظران موضوع ثبات سیاسی معتقدند که شاید بتوان ده‌ها عامل دیگر را در ایجاد و استمرار ثبات سیاسی ذکر کرد اما تمامی آنها به نحوی به حضور و نقش مردم برمی‌گردد. از دیگر مؤلفه‌های بسیار مهم و منحصر به فرد در جمهوری اسلامی مشروعیت سیاسی است که به وسیله‌ی ولی فقیه و رهبری ایجاد می‌شود. نقش شاخص و هدایت کننده‌ی رهبری جامعه در اعتماد و باورمندی مردم به نظام سیاسی و در نتیجه‌ی آن استمرار ثبات سیاسی است.

سبک زندگی به مثابه الگویی نسبتاً پایدار از رفتارهای فردی و اجتماعی در زندگی روزمره از منظرهای مختلفی محل بحث قرار گرفته است. سبک زندگی تا قبل از ایجاد رسانه‌های جمعی، ویژگی بومی مناطق مختلف از منظر فرهنگی به شمار می‌رفت. اما امروزه در عصر جهانی شدن، رسانه‌های جمعی نقش مهمی در گسترش و اشاعه‌ی سبک‌های زندگی دارند.

امام علی (ع) نیز با پیروی کامل از رسول خدا (ص)، ایشان را به عنوان بهترین الگو برای عموم مردم، به خصوص اصحاب و یارانش معرفی کردند. بدین روی، هنگام ملاقات با طلحه و زبیر و رد پیشنهادهای آنان فرمودند: «پس از رسیدن خلافت به من، بدان چه در قرآن کریم آمده است عمل می‌کنم و از هرچه پیامبر سنت نهاده است پیروی می‌نمایم و به نظرات شما احتیاجی ندارم. همچنین آن حضرت خطاب به

رسیدن به آرمان اسلامی.

اما مؤلفه‌ی سوم در استمرار ثبات سیاسی، عامل اثربخشی است. اگر سیستمی بتواند اثربخشی داشته باشد، حمایت مردمی را در پی خواهد داشت. وقتی مردم پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها را در عرصه‌های مختلف زندگی خود حس می‌کنند، وقتی وضع امروز جامعه‌ی ایرانی را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... مشاهده می‌کنند، این اثربخشی نمایان می‌شود. علاوه بر این وقتی می‌بینند که این پیشرفت‌ها با وجود مشکلات و سنگ‌اندازی‌های دشمنان و فشارهای قدرتهای جهانی به دست آمده است، این اثربخشی بیشتر احساس می‌شود.

اساساً مشارکت را عمل فردی شهروندان می‌دانند که به عنوان عضو یک اجتماع انجام می‌دهند و از این روست که صاحب نظران مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای «اعمال نفوذ بر حکومت» یا حمایت از نظام سیاسی تعریف کرده‌اند. غالباً دو نوع مشارکت که نشانگر دخالت مردم در امور سیاسی است وجود دارد: اولین گونه مشارکت مفهومی خودجوش است که مردم با توجه به دلایل و علایق خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به دور یکدیگر جمع شده و انجمن، حزب، نهاد و گروه ذی نفوذ و فشار را تشکیل می‌دهند که نظام‌های مبتنی بر لیبرالیسم سیاسی و دموکراسی از این دسته‌اند. مشارکت نوع دوم، مشارکت برانگیخته است که حکومت‌ها به خاطر منافع خود دست به ایجاد انگیزش در مردم جهت مشارکت می‌زنند. البته برخی نیز همچون «گابریل آلموند» نظریه پرداز معروف مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، مشارکت را گونه‌ای دیگر

عموم مردم فرمودند: «به راه و رسم پیامبران اقتدا کنید که بهترین راه و رسم‌هاست. رفتارشان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌هاست». در این راستا آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۹ به مفهوم‌سازی، تشریح الزامات و شاخصه‌ها و تشکیل هیاتی از نخبگان کشور برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقدام نمودند. ایشان ضرورت رسوخ این الگو در نخبگان و گفتمان‌سازی آن در جامعه بر مبنای تفکر و اندیشه اسلامی که منجر به ارائه محصول انقلاب اسلامی در قالب یک تمدن جدید شکل گرفته بر پایه‌های ایرانی و اسلامی گردد تأکید کردند. ایشان همچنین معتقدند: الگوی کشور اسلامی به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است. اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی، رشد علمی، توسعه‌ی عدالت، کم شدن فاصله‌های طبقاتی و برداشته شدن قلّه‌های اشرافی‌گری هست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۹۵/۵/۱۱).

به مجموعه‌ی نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه‌ی راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت «نسخه راهبردی که مولفه‌های جهان‌بینی حاکم بر تمدن اسلامی - ایرانی را ارائه می‌دهد» به عبارت دیگر مدلی از خرد و اندیشه‌ی ایرانی می‌باشد برای

خواهان مشارکت و تامین مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی بر نمی آیند و به جای آنها نهادهای سیاسی مدرن، عهده دار پاسداشت اقتدار و ثبات سیاسی حکومت قرار می گیرند. البته هانتینگتون معتقد است یک جامعه سنتی دچار عدم تعادل نمی گردد چرا که نیاز به مشارکت افزایش نمی یابد تا نهادمندی سیستم سیاسی به چالش کشیده شود. از سویی در جوامع سیاسی مدرن نیز آشفتگی ایجاد نمی گردد چرا که در این جوامع، نهادهای سیاسی به حد لازم رشد و پرورش یافته اند و مشارکت فزاینده جامعه را سامان می دهند. وی صراحتاً تأکید می کند که بی ثباتی در جامعه ای رخ می دهد که تقاضای مشارکت سیاسی افزایش یافته است، اما نهادهای سیاسی جامعه توان پاسخ دهی به این نیاز را ندارند و این شرایط تنها در جوامع در حال گذار به وقوع می پیوندد. با این حال اگر تحلیل هانتینگتون را به شرایط امروز جهان تطبیق دهیم متوجه خواهیم شد که هم در جوامع مدرن (به تعبیر هانتینگتون) و هم در جامعه سنتی این تحلیل اساساً درست نمی باشد. در جوامع مدرن میزان تقاضای مشارکت سیاسی بالا نیست چنانکه امروزه بسیاری از کشورهای اروپایی شاهد کاهش چشمگیر مشارکت هستند و در جوامع سنتی نیز نیاز به مشارکت همواره احساس شده است.

در قوانین اساسی همه دولت ها به نحوی تلاش شده است که جایگاه حضور مردم در عرصه های سیاسی - اجتماعی به نوعی طرح و از کمترین حضور تا فعال ترین آن مورد توجه قرار گیرد. در ایران نیز که نخستین قانون اساسی در سال ۱۲۸۵ شمسی در جریان انقلاب مشروطه نوشته شده، بر اساس حضور

دسته بندی می کند که شامل مشارکت متعارف و غیرمتعارف است. مشارکت در شکل متعارف (Convention) شامل رای دادن، مباحثه سیاسی، فعالیت و مبارزه انتخاباتی، تشکیل گروه و حزب، ائتلاف ارتباطات فردی با مراکز اداری و سیاسی است. در شکل غیرمتعارف نیز، مشارکت شامل تجمع تظلم خواهی و دادخواهی، اعتراضات سیاسی، تظاهرات همراه با درگیری و ناآرامی شهری، آشوب، خشونت علیه جنگ پارتیزانی و نهایتاً انقلاب است. با این حال می توان گفت که در نظرات اکثر اندیشمندان یک وجه مشترک در خصوص مشارکت های سیاسی وجود دارد و آن قائل شدن به نهادمند بودن و یا غیر نهادمند بودن مشارکت سیاسی است. اما برخی از نظریه پردازان از جمله هانتینگتون ثبات سیاسی را نتیجه وجود یک اجتماع سیاسی یعنی وفاق اخلاقی و منافع مشترک برای حفظ نظام موجود می داند که قاعدتاً این وفاق اخلاقی می بایست از طریق نهادهای سیاسی در جوامع ارزش گذاری شود و تثبیت گردد. البته شخص وی دو نوع پولیتی یا جامعه سیاسی سنتی و مدرن را در نظر می گیرد. وی معتقد است در یک جامعه سیاسی سنتی، نهادهای سیاسی فاقد ضرورت کارکردی در تامین ثبات سیاسی جامعه هستند و به همین علت از اهمیت قابل اعتباری برخوردار نیستند و در نهایت در این جوامع تقاضای مشارکت سیاسی افزایش نمی یابد. در نظریات هانتینگتون در نقطه مقابل این جوامع، جامعه سیاسی مدرن وجود دارد که به دلیل اقتضات زندگی اجتماعی و بالابودن میزان تقاضای مشارکت سیاسی، سازوکارهای سنتی از عهده پاسخگویی به درخواست مشارکت سیاسی گروه های

پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد- که دارد- اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را دارد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، ناپیوستگی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی- با همان مختصات و با همان شاخص‌ها نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

از واژه توسعه، تعریف‌های متعددی ارائه شده است که این اختلاف با توجه به تفاوت دیدگاه‌های ارائه کنندگان آن و تفاوت در نوع نگرش از وضعیت خاص هر جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن، ناشی می‌شود. مقام معظم رهبری معتقدند که پیشرفت برای همه کشورها و همه‌ی جامعه‌های عالم، یک الگوی واحد ندارد و می‌فرماید: «پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی- در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ در حالی که همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب است. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزا آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما- با شرایط تاریخی، جغرافیایی و با اوضاع سرزمینی ما و با وضع ملت، آداب، فرهنگ و با میراث ما الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر که در ما نمی‌خورد؛ چه نسخه‌ی پیشرفت آمریکایی و

مردم و جهت بر پایی پارلمان و محدود کردن قدرت سلطنت بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که در سال ۱۳۵۸ به تأیید اکثریت قاطع مردم ایران (۹۸/۲ درصد) رسید و در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت. حقوق ملت را در یک فصل کامل با اصول مختلف و همچنین در ذیل اصل‌های دیگر متذکر شده است و مکانیزم‌های مشارکت مردم در حکومت نقش آفرینی آن‌ها در سیاست را مورد توجه قرار داده است. فصل سوم قانون اساسی در قالب ۲۴ اصل، به بیان حقوق ملت پرداخته است که از جمله آن‌ها مصون بودن حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن اشخاص (اصل ۲۲)، ممنوع بودن تفتیش عقاید (اصل ۲۳)، تضمین آزادی مطبوعات (اصل ۲۴) عدم سانسور و ممنوع بودن استراق سمع و تجسس (اصل ۲۵) و آزادی انتخاب شغل، ترتیب دادن راهپیمایی و اجتماعات است. این اصول برخی به صورت ذاتی، نحوه و نوع مشارکت سیاسی را بیان می‌کنند و برخی نیز زمینه و امکان لازم را به مردم جهت وارد شدن در عرصه‌های سیاسی می‌دهند.

#### الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

از آنجا که الگوهای توسعه غربی در کشورهای در حال توسعه با پیش فرض‌ها و تعریف‌های مادی از انسان و جامعه و تاریخ به تدریج افراد جامعه را با ارزش‌ها و آرمان‌های غربی هماهنگ می‌کند، بسترهای نفوذ را نیز برای سلطه به آن کشورها مهیا ساخته و آن‌ها را مصرف کننده بار می‌آورد. با توجه به اهمیت این موضوع، پیشرفت از نگاه مقام معظم رهبری، توسعه به مفهوم رایج غربی نیست. ایشان می‌فرمایند: «امروزه توسعه، در اصطلاح‌های سیاسی و جهانی و بین‌المللی بحث رایجی است. ممکن است

یا اروپایی از نوع اروپای غربی؛ هیچ کدام از این‌ها نمی‌تواند برای پیشرفت کشور ما مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

اسلام، انسان را موجودی دو بعدی با فطریات و سرشت مشترک و دارای آزادی و اختیار در انتخاب سرنوشت خویش معرفی می‌کند؛ اما مکاتب وجود گرا برای انسان هیچ گونه سرشت مشترکی قائل نیستند و آن را مغایر با آزادی فردی می‌دانند.<sup>۱</sup>

یکی از مهمترین اهداف تعلیم و تربیت، پرورش شخصیت کامل است. با این حال، مفهوم کمال و ماهیت انسان کامل از جمله موضوعاتی است که از دوران قدیم مورد مناقشه‌ی فلاسفه، حکما و عرفا بوده و امروزه مورد توجه روان‌شناسان است.<sup>۲</sup>

امروزه اکثر مباحث حول انسان و مفاهیم اساسی دیگر مانند علم، واقعیت، شعور عامیانه، تبیین واقعیت و... در قالب معرفت فلسفی ارائه می‌شوند ولی تا زمانی که این مباحث نتوانند در سلسله مراتب معرفتی به سطح پارادایم، علم و در نهایت الگو وارد شوند، نمی‌توان به درک تجری در راستای تغییر مفاهیم و پدیده‌ها براساس ارزش‌های حاکم بر فلسفه رسید.<sup>۳</sup>

با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت طرح مبانی معرفت شناختی انسانی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت که متکی بر فلسفه‌ی الهی باشد، برای معرفی الگوی انسانی‌ای که از خصیصه‌ی آن دنیایی نیز برخوردار باشد، محسوس است.

**اهمیت دستیابی به الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت**

ساخت کلی الگو باید متناسب با اهداف، جهت گیری-ها و ارزش‌های موردنظر جامعه باشد. الگوهای مختلف برنامه ریزی می‌توانند از نظر ساختار دارای تفاوت‌های چشمگیری باشند. هرچند روش‌های تکنیکی محاسبات و برآوردها در تمام الگوهای برنامه ریزی دارای تشابهات بسیاری است اما باید تاکید کرد آنچه الگوی برنامه ریزی را از الگوی دیگر متمایز می‌سازد ساخت کلی الگو است به گونه‌ای که مشخص می‌سازد چه مسائلی مستقیماً در الگو موردنظر قرار گرفته و حصول به چه اهداف مورد توجه بوده است. در حقیقت سرآغاز یک تحول گسترده و فراگیر است که ضمن اینکه استقلال فکری و نظری و فرهنگی کشور را حفظ می‌کند زمینه ساز گشایش افق تاریخی نوینی برای تمام جهان اسلام و حتی بشریت می‌گردد و به پیش از قرن سیطره اندیشه ترقی مدرن پایان می‌دهد<sup>۴</sup> بنابراین با توجه به نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه غربی و تاثیر مبانی معرفتی در نوع پیشرفت و ضروری و حیاتی بودن و دستیابی به الگوی توسعه اسلامی ایرانی از دو جهت کاملاً برجسته می‌باشد.

اول تضمین کننده دستیابی به رشد تعالی و حیات طیبه

الگوی توسعه اسلامی- ایرانی به عنوان قابلیت انحصاری ادیان الهی در مقابل نظامهای سرمایه‌داری غرب با هدف دستیابی به سمت حیات طیبه و زندگی گوارا و نیز در مقابل افکار غیراسلامی مبتنی بر تجویز کنارگذاشتن عدالت به عنوان ارزشی درجه دو در دوره‌های از مسیر حرکت جامعه اسلامی تضمین کننده دستیابی به رشد تعالی و حیات طیبه می‌باشد.

دوم: مقدمه فراگیری اسلام و جهان

**الزامات و شرایط تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی**  
 الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جامعیت لازم برخوردار است و تمامی ابعاد و عرصه‌های مورد نیاز کشور را شامل می‌شود. رهبر معظم انقلاب در بیانات خویش در نخستین جلسه نشست‌های راهبردی تدوین الگو، مهم‌ترین عرصه‌های پیشرفت را در چند محور اساسی دسته‌بندی نمودند که در جدول (۱) این شرایط و الزامات آورده شده است:

با تداوم توسعه و فراگیر نمودن این رویکرد و الگوی کارآمد در محیط داخلی و سپس و با ترکیبی متوازن و سازگار با عنوان توسعه و عدالت محوری و قابلیت ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی به عنوان منطق، راهبردی و نوآوری نظام جمهوری اسلامی در مقابل سیاست‌های اقتصادی ناعادلانه دنیا مبتنی بر توسعه محوری در راستای الگوسازی نظریه سیاسی اسلام در دنیا مقدمه فراگیری اسلام در جهان فراهم می‌باشد<sup>۵</sup>

**جدول (۱) الزامات و شرایط تحقق پیشرفت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی**

ابعاد پیشرفت	شاخص‌ها	منابع
فرهنگی و اجتماعی	امر به معروف و نهی از منکر	سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی ماه (سالروز قیام مردم قم) ۱۳۶۸/۱۰/۱۹ پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳
	جلوگیری از فساد و فحشا و رواج شادی و نشاط	بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴
	گسترش فرهنگ آزاد اندیشی	بیانات در دیدار با اعضای انجمن اهل قلم ۱۳۸۱/۱۱/۷ بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸
	رشد خودباوری	بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام در روز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱ دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰
	رشد احساس عزت	بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸
	شاخص‌های عزت ملی	بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۳/۱۴
	ارتقا شأن اجتماعی علم و عالم	بیانات در دیدار نخبگان استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۴
	رشد فرهنگ کار جهادی	بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴
	مبارزه با مصرف زدگی و اسراف	بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۱۳۸۸/۱/۱
	مشارکت مردم	بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته ی دولت ۱۳۷۵/۶/۸ بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولتی ۱۳۸۳/۶/۴
	ایستادگی مردم	بیانات در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی (ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴ بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸ دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹
	امنیت اجتماعی	بیانات در سالروز عید سعید میثع ۱۳۸۸/۴/۲۹ بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶
	اعتماد به نفس اجتماعی	بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹
	همبستگی و وحدت ملی	بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶ بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱ سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (ع) ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲	احساس هویت جمعی	
بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶	تواضع و تعاطف مومنین	
پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج ۱۳۷۶/۱/۲۱	قدرت ملی	
بیانات در دیدار عمومی مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹		
دیدار مسئولان نظام به مناسبت میبخت حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۷/۵/۹		
بیانات در دیدار با فرمانده و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش در آستانه ۱۹ بهمن ۱۳۷۵/۱۱/۱۸	همت مضاعف و کار مضاعف	
بیانات در دیدار ایثارگران در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی ۱۳۷۶/۵/۲۹		
دیدار با مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷		
بیانات در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم ۱۳۷۸/۲/۱۵		
بیانات در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۳۷۹/۲/۱۴	روح خلاقیت مثبت	
بیانات در دیدار وزیر و اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور ۱۳۷۴/۴/۱۹		
بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰	جذب مناسب سرمایه خارجی	
پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۱	اجرای طرح های مادر	بعد اقتصادی
بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵	برخورد با خطاها و فسادهای مالی	
بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم آمل ۱۳۷۷/۳/۲۱	استقرار و استقلال حکومت	
پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰	اعتقاد به حکومت	
بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران امام رضا (ع) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶		
بیانات در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۵/۳/۲۹	جلب مشارکت سیاسی همگان	
بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰		
بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۴		
بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۳/۲۴	محیط آرام سیاسی	الزامات و شرایط سیاسی
بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸	انسجام سیاسی	
بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰	پرهیز از مسائل حاشیه ای	
بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰	عمل بر خلاف خواست دشمن	
بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۵/۷/۸	اعتماد به مدیران و مسئولان	
بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰	به کارگیری مدیران متعهد	
دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۷/۶/۲	نظارت و پیگیری	
بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰	مبارزه با فساد	
بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۲۷		
بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا (ع) ۱۳۸۰/۱/۱	توجه به الگوی شخصیتی ایده آل	
بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲	اصلاح درونی	
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت ۱۳۷۷/۶/۲	اخلاص	
بیانات در دیدار با اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان ۱۳۶۹/۱/۲۲		
بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۸/۱۵	اعتماد به خدا و احکام الهی	
بیانات در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر ۱۳۷۰/۱/۱۲		
بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۲/۲۲	ایمان	الزامات و شرایط معنوی و رفتاری
پیام به مناسبت گردهمایی مسئولان انجمن های اسلامی دانشگاه ها ۱۳۷۷/۵/۱۰		
بیانات در دیدار فرهنگیان و معلمان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۲	رابطه با خدا و دعا و نیایش	
بیانات در دیدار عمومی مردم قم ۱۳۸۴/۱۰/۱۹		
بیانات در دیدار قشرهای گوناگون مردم از شهرهای مختلف ۱۳۷۳/۲/۲۸		
بیانات در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲	تقوا	
بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه ی قضائیه و خانواده های شهدای فاجعه هفتم تیر ۱۳۸۴/۴/۷		
بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵	طهارت	
بیانات در خطبه های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱		
بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۹/۹/۱۹	از خود گذشتگی	
سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۷۰/۳/۱۴		
بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵	صبر	
خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۸/۸	بصیرت	



بیانات در اجتماع با شکوه مردم کرج ۱۳۷۶/۷/۲۴	امید
بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴	تدین
بیانات در دیدار با ائمه جمعه، علما، مسئولان و اقشار مختلف مردم نیشابور ۱۳۶۸/۸/۳	تعهد

## مبانی نظری مشارکت

پارسونز در نظریه خود بر کنش اجتماعی و فرهنگ مشارکت تاکید می کند. او می گوید افراد در جامعه نقش های مختلفی در موقعیتهای مختلف دارند و هر نقش یا موقعیت شبکه ای از هنجارها و باید ها و نبایدها دارد. بنابراین هنجارهای مورد نظر در جریان جامعه پذیری سازمانی تدریجا در افراد درونی شده و پایبندی به وظایف رادر آن ها ایجاد می نماید. بنابراین فرهنگ مشارکت میزان پایبندی افراد و اعضا به رعایت هنجارهای نقش خود است.

## مفهوم مشارکت سیاسی

مشارکت، کلمه ای عربی و از ریشه شَرک به معنای انبازی و حصه برداری است.<sup>۶</sup> در لغت انگلیسی، مشارکت با واژه participate به معنای شریک شدن و دخالت کردن آمده است.<sup>۷</sup> واژه مشارکت در معنای اصطلاحی علوم سیاسی، با تعاریف مختلفی مطرح شده است؛ به طوری که به دخالت مردم و حداقل درگیر شدن در سیاست به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، اختیاری یا غیر اختیاری، مشارکت نام نهاده اند. دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرده است: مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه درانتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است.<sup>۸</sup>

مایکل راشل، مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می داند و آن

را با اجتماعی شدن سیاسی مرتبط می کند.<sup>۹</sup> با توجه به تعریف یاد شده باید گفت که اولاً مشارکت سیاسی، فعل است و تنها با اراده نفسانی محقق نمی شود و دیگر این که اراده معطوف به تاثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تاثیر را شامل می شود و نکته آخر این که مشارکت مورد نظر ما که در تعریف می گنجد مشارکت در قالب سیستم سیاسی است و مشارکت خارج از آن یا علیه سیستم را در بر نمی گیرد. مشارکت سیاسی در سطوح مختلف در ادوار گذشته تاریخ وجود داشته است و در قرون اخیر، مورد اقبال بیشتری واقع شده است. در اسناد سازمان ملل متحد، مشارکت، با تاکید بر حق هر فرد در تنظیم سیاست ها و اتخاذ معیارهایی برای بهبود وضعیت عمومی جامعه همراه است و لزوم اجرای آن را بدست آوردن انتظارات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طلب می کند. از جمله این اسناد که حاوی طرح مساله مشارکت است. از جمله این اسناد که مقدمه و ۳۰ ماده، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، اعلامیه جهانی حقوق کودک اعلامیه رفع تبعیض از زنان، اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در یک مقدمه و ۵۳ ماده اشاره کرد.<sup>۱۰</sup>

## مشارکت سیاسی در اسلام

با توجه به این که مشارکت سیاسی در بحث مورد نظر در جمهوری اسلامی ایران متمرکز است و اصول مشارکت در آن نیز بر اساس احکام و موازین اسلامی

۶- حق مشارکت برای همه در قرار دادهای اجتماعی و میثاق مشترک عمومی<sup>۱۳</sup>

از این مطلب فهمیده می شود که حضرت همگان را به مشارکت در امر حکومت دعوت کرده و خواستار نصیحت زمامداران و مشارکت در امر کشور داری شده است. گر چه بر اساس آموزه های شیعه پس از حضرت رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع) از طرف خداوند بر حکومت منصوب شده و خود حضرت نیز به آن تاکید می کردند، اما آن حضرت، حضور مردم و درخواست آن ها برای رهبری را علت پذیرفتن رهبری اعلام کرد؛ به طوری که حقیق ملی حکومت را منحصر به خواست و اراده مردم کردند و مشارکت آن ها را موجب حکومت بیان نمودند. بدین ترتیب، نگرش شیعیان به مشارکت سیاسی با تجربه های تاریخی از ناحیه پیشوای معصوم همراه شد و شیعیان، اولاً اصل حضور و مشارکت سیاسی را لازم و ضروری دانستند و ثانیاً این مشارکت را تنها در راستای فرامین و آموزه های الهی، موجه و معتبر شمرده و ثالثاً مشارکت عمومی را تنها زمانی قابل قبول شمرده که رای و اراده مستقیم الهی درباره مصداق معینی اعلام شده باشد.

مشارکت سیاسی در جوامع اسلامی به علل مختلف، از جمله استبداد داخلی و بهره کشی های استعمار خارجی نتوانسته است به صورت مثبت و قابل قبولی ظاهر شود. گر چه در مقابل حاکمان غیر متعهد و مستبد، مشارکت های منفی محقق شده است. این نوع از جهت گیری های سیاسی اجتماعی در بین مسلمانان که به صورت جنبش و نهضت علیه حاکمان مستبد تبلور یافته است، حاکی از آموزه های اسلامی

طراحی شده است. به طور خلاصه به مشارکت سیاسی در اسلام و ذکر چند مورد از مکانیزم این مشارکت در اسلام می پردازیم. اسلام، علاوه بر بعد فردی انسان ها بر ابعاد اجتماعی آنها نیز توجه کرده است. مساله مشارکت سیاسی و دخالت افراد در سر نوشت اجتماعی خویش، امری مورد توجه است. البته واژه مشارکت در آیات و روایات به صورت مشخص مطرح شده است و دارای کلمات و مفاهیمی است که بیانگر مشارکت مردمی و تایید و امضای مشارکت و همچنین تشویق آموزه های دینی به طرف مشارکت های مردمی است. برای بیشتر قابل فهم شدن این جملات به صورت مختصر و کوتاه به برخی از آیات روایات در این خصوص اشاره می کنیم: به طور مثال: از آیه شریفه "ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم"<sup>۱۱</sup> استفاده می شود. که علاوه بر اراده الهی در سرنوشت انسان، اراده خود آدمی تاثیر بسیاری دارد و انسان است که سرنوشت خود را رقم می زند. همچنین آیاتی که در خصوص لزوم شورا<sup>۱۲</sup> وارد شده است بر اهمیت مشارکت های مردمی در امر حکومت دلالت می کند.

حضرت پیامبر (ص) نیز در موارد مختلف بر اهمیت حضور مشارکت مردم تاکید فرمودند: از جمله در زمان آخرین حجشان در مسجد حنیف منا مردم را به چند نکته مهم سفارش کردند:

- ۱- اخلاص در عمل برای خدا
- ۲- نصیحت به زمامداران
- ۳- التزام به کیان اجتماعی
- ۴- برادری
- ۵- برابری خون ها و جان ها

سیاسی است؛ چون در صورت عدم مشارکت، امکان انجام این امر وجود ندارد.

۵- در سیره معصومین (ع) نیز مشارکت سیاسی در صرت های مختلف، نشیر بیعت، مشورت و دعوت به نصیحت ملوک دیده شده است که تاسی به آن در جامه اسلامی لازم است.

#### مکانیزم های مشارکت سیاسی در اسلام

در اسلام، مشارکت در امر حکومت به طبقه و قشر خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه همگان بر اساس صلاحیت هایی که دارند، می توانند مشارکت کنند و این مشارکت می تواند در عرصه های مختلف و سطوح گوناگون به ظهور می رسد، مشارکت سیاسی در اسلام از دو زاویه قابل بررسی است.<sup>۱۵</sup>

الف) مشارکت سیاسی ایجابی، بر اساس این مشارکت مردم تلاش می کنند طبق روش ها و برنامه های اعلام شده حرکت کننده و حضور و تصمیم خود را در درون چارچوب های از قبل پیش بینی شده اعلام نمایند این نوع مشارکت در گذشته کمتر بوده، اما در دوران معاصر مورد توجه و تاکید فراوان قرار گرفته است. مکانیزم های این نوع مشارکت در ادبیات اسلامی، فرایند بیت و انتخاب ذکر شده است.

ب) مشارکت سیاسی سلبی: در این نوع مشارکت، سازو کارهای معمولی، مورد اعتراض و نفی قرار می گیرد. از جمله مصادیق آن می توان به نظارت با ابزارهایی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، مشورت و نصیحت ائمه مسلمین اشاره کرد.

#### مکانیزم های مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی می تواند در مکانیزم های مختلفی جلوه گر شود که از جمله آن ها در عصر حاضر، وجود احزاب، گروه های نفوذ، انتخابات، مطبوعات و رسانه

است که مسلمانان را به دخالت در امور اجتماعی و سیاسی خود فراخوانده است.

البته در این مختصر در پی اثبات و یا تشریح مشارکت سیاسی در اسلام نیستیم، بلکه به مناسبت بحث مشارکت، به صورت گذرا به دیدگاه اسلام نیز اشاره می کنیم. لازم است در همین جا برخی از مبانی و دلایل مشارکت مردم در نظام اسلامی را ذکر کنیم که مهمترین دلایل آن بدین قرار است:

۱- حق آزادی تعیین سرنوشت، شرط تحقق هدف خلقت است و این امر در صورتی کامل است که در عین اختصار و آزادی انسان، اراده وی دخیل باشد. حتی در غیر این صورت، ثواب و عقاب نیز برایش معنا ندارد. حال آن که انسان به لحاظ تکوینی آزاد آفریده شده، به لحاظ حقوقی و اجتماعی نیز آزاد است.

۲- حکم عقل به آن، جامعه اسلامی همواره باید از تعادل و توازن در رفتار سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد و از مهمترین نشانه های تعادل، وجود رضایت و مقبولیت در امور سیاسی در بین مردم است و لذا عقل حکم می کند برای ایجاد تعادل، به مشارکت عمومی کمک کرد<sup>۱۴</sup>

۳- مشارکت مردم، ضامن بقای نظام اسلامی است و حتی این مشارکت، ضامن بقای هر نوع رژیم است؛ چون بدون حضور مردم، امکان ادامه برای نظام نیست.

۴- انجام برخی وظایف دینی مثل امر به معروف و نهی از منکر و نکوهش بی تفاوتی در جامعه دینی مقدمه ای بر لزوم مشارکت

اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را عبارت از نظم و ثبات یا زائد و غیر ضروری جلوه دادن ارتکاب خشونت، به ویژه به منظور رویارویی با اقتدار حکومت‌ها تلقی نموده و کنش‌های اعتراضی را نشانه ناکارآمدی نهادهای سیاسی می‌دانند. در عین حال، همواره افرادی وجود دارند که علیه زمانداران خود شورش می‌کنند و تاریخ سیاسی بشر، برای همه نسل‌ها چنین وقایع و وضعیتی را ثبت نموده است. همچنان که تد رابت گار معتقد است پس از جنگ جهانی دوم تا کنون اقدامات خشونت‌آمیز برای انداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است.<sup>۱۷</sup> بدین ترتیب، تاریخ سیاسی شاهد تکرار جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها، شورش‌ها، ترورها، اعتصابات و تظاهرات مسالمت‌آمیز بوده، ولی در عین حال، وضعیت کشورهای مختلف از حیث بی‌ثباتی سیاسی، به صورت چشم‌گیری متفاوت است.

چارلز لیندبلاد، یکی از چهره‌های برجسته علوم سیاسی آمریکا، حل رابطه حکم‌رانا و مردم را از سه راه ممکن می‌داند: اجبار، مبادله و اقناع، به نظر ایشان در قرن بیست و یکم، استفاده از زور و روش‌های جبری آشکار، هزینه‌های فراوانی به دولت‌ها تحمیل می‌نماید. تفوق ساز و کارهای بازار بر اقتصادهای دولتی نیز، ابزارهای اقتصادی دولت‌ها برای سلطه بر شهروندان را محدود می‌سازد.

در این شرایط با گسترش روزافزون رسانه‌های همگانی و حضور فراگیر آن‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی، اقناع بهترین و موثرترین ابزار برای حل مناسبات میان حاکمان و مردم و نیز میان آحاد

ها هستند که اگر اینها بر اساس معیارهای دموکراسی، آزادانه و مستقلانه بتوانند در فرایند مشارکت سیاسی و تصمیم‌سازی مشارکت‌کنند و یا حداقل، امکان نقد و بررسی را داشته باشند، مشارکت محقق خواهد بود. در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه مردم به مشارکت سیاسی بر اصل امر به معروف و نهی از منکر دعوت شده‌اند؛ به طوری که طبق این اصل، نه تنها مردم همدیگر را به خیر دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند، بلکه می‌توانند نسبت به دولتمردان نیز امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشند.<sup>۱۸</sup>

پس با توجه به این که مشارکت سیاسی و تضمین آن از طرف قوانین اساسی، از مهمترین کار ویژه قانون اساسی است، در جمهوری اسلامی ایران نیز این امر به نحو مطلوبی در قانون اساسی آورده شده است و طبق چهار مکانیزم مهم مشارکت سیاسی مثل احزاب، گروه‌ها، انتخابات و رسانه‌ها، مشارکت سیاسی مورد توجه واقع شده است، به طوری که ساختار قدرت نظام بر اساس حضور و مشارکت مردم معنا پیدا می‌کند؛ چون همه نهاد‌های مهم نظام به طور با واسطه یا بی‌واسطه با حضور مردم و با رای آن‌ها شکل گرفته و اداره می‌شود.

تاثیر مشارکت سیاسی مردم به عنوان متغیر مستقل بر ثبات سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نحوه تعامل آن‌ها با متغیرهای واسطه‌ای چون محرومیت نسبی، فرصت‌های سیاسی، عوامل خارجی، آنومی سیاسی، و مشکلات اقتصادی بروز و ظهور می‌یابد.

ثبات و پایداری، همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند نظام سیاسی خود را جاودانه نمایند.

ثبات کننده که قابل مشاهده هم هستند، سنجیده می شود.

سه : رویکرد ژورنالیستی : این رویکرد، از یک سو بر وضعیت های سیاسی کوتاه مدت ( مثل چند روز، چند هفته یا حداکثر چند ماه ) تاکید دارد و از سوی دیگر، بی ثباتی یا بلا تکلیفی، سر در گمی و عدم قطعیت مترادف در نظر گرفته می شود.<sup>۲۰</sup> بنابراین، روزنامه نگاران بر اساس فضای عدم اطمینان یا وقوع حتی یک حادثه در کشور خاص و زمان، به بی ثباتی اشاره می کنند.

چهار : رویکرد سیستمی : در اینجا سیاسی هر حکومتی مبتنی بر دو دسته از عوامل است : یکی این که نظام سیاسی کار ویژه ی خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستم های فرعی جامعه تبادل و روابط متقابلی داشته باشد و دوم این که میان حوزه های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید پدید نیاید. نظام سیاسی وقتی باثبات است که به طور منظم با دریافت داده ها، آن ها را به بازده تبدیل کند و در مدار داده ها، فرآیند، بازده و برخورد گسست ایجاد نشود.<sup>۲۱</sup> در این رویکرد، نظام سیاسی باثبات در نگاه حداقلی، به صورت جعبه سیاه سیستم اجتماعی در نظر گرفته می شود که باید خروجی آن قابل پیش بینی باشد. در نگاه حداکثری نظامی باثبات است که برای حفظ تعادل سیستم نیازی به استفاده از قدرت نباشد.

پنج : رویکرد مشروعیت : از دیدگاه مشروعیت سیاسی، نظام های سیاسی و اجتماعی باثبات آن هایی هستند که در آن اکثر مردم در بیشتر اوقات، دلایلی برای کنش در جهت حمایت و بقای نظام دارند. لکن، تنوع و ترکیب دلایل حمایت از نظام

مختلف مردم است.<sup>۱۸</sup> البته، حفظ ثبات در رژیم های سیاسی مختلف، به ترکیبات متفاوتی از سه عنصر اجبار، مبادله و اقناع نیازمند است.

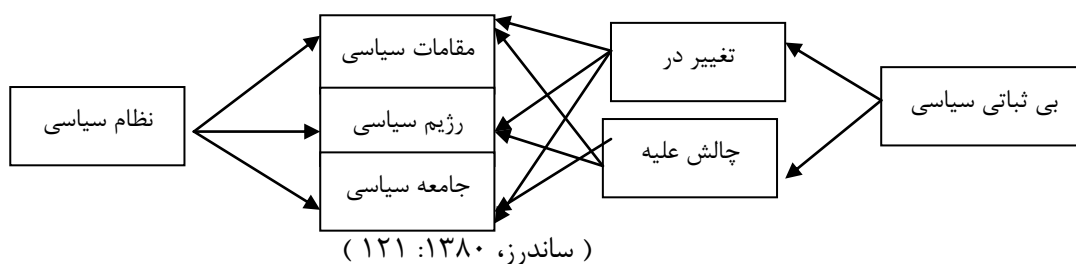
### مفهوم شناسی ثبات و بی ثباتی سیاسی

حوزه ثبات و بی ثباتی سیاسی نیز مانند بسیاری از حوزه های علوم اجتماعی، فاقد تئوری جامع و مورد توافق است. که آزمون های مختلف تجربی موید آن است. اندیشمندان و نظریه پردازان جامعه شناسی و علوم سیاسی، تعاریف گوناگونی از ثبات و بی ثباتی ( علی رغم بدیهی پنداشته شدن آن ) ارائه داده اند. تنوع و گوناگونی این تعاریف از یک سو، معلول اختلاف در رویکرد آن ها نسبت به مسئله ثبات بوده و از سوی دیگر، معلول شرایط و موقعیت های زمانی و مکانی مختلف است. مهم ترین تعاریف از ثبات و بی ثباتی سیاسی را می توان در قالب هفت رویکرد طبقه بندی نمود.

یک : رویکرد تداوم، لیپست در کتاب انسان سیاسی نظام هایی را که دارای حکومت دموکراتیک مستمر بوده اند یا در طول سال های معینی حکومت توتالیتر پایدار داشته اند، باثبات قلمداد و آن هایی را که بین این دو حالت در نوسان بوده اند، بی ثبات معرفی می کند.<sup>۱۹</sup> در این رویکرد، ثبات سیاسی به عنوان تداوم نوع خاصی از نظام سیاسی تعریف می شود.

دو : رویکرد تجربی - بی ثباتی به طور مستمر و مستقیم با فراوانی وقوع انواع خاصی از حوادث سیاسی، تغییر می کند. بنابراین بی ثباتی دارای چارچوبی وسیع تر از نوسانات بین نظام های دموکراتیک و غیر دموکراتیک است ( همان ) در این رویکرد، میزان بی ثباتی با میان تکرار حوادث بی

هفت : رویکرد عملیاتی، به اعتقاد دیوید ساندرز، تعریف مطلوب از ثبات و بی ثباتی سیاسی باید از تفکیک سطحی ثبات و بی ثباتی احتراز نموده و آن را پدیده مستمر و نسبی بداند. همچنین، آن تعریف باید نشان بدهد چگونه سطح بی ثباتی در کشور با گذشت زمان تغییر می کند و نیز باید انواع متفاوتی از بی ثباتی سیاسی را بپذیرد.<sup>۲۴</sup> از این رو ثبات سیاسی ناظر بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی ثبات کننده است که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می کند. ( همان ( دیوید ایستون، سه بعد اساسی برای نظام های سیاسی در نظر گرفته است : ۱) مقامات سیاسی ( حکومت ) ۲) رژیم سیاسی ( قواعد حقوقی که حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است ) ۳) جامعه سیاسی ( گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط هستند ) ( همان ) به این ترتیب با در نظر گرفتن ابعاد نظام سیاسی ایستون و تعریف ساندرز، شش نوع بی ثباتی سیاسی متصور است که در شکل زیر نمایش داده شده است.



ممکن است بسیار گسترده و پیچیده باشد.<sup>۲۲</sup> در این رویکرد، تصور بر این است که مشروعیت سیاسی، شکاف بین خواسته های مردم و عملکرد حکومت را پوشش داده و مانع از بی ثباتی سیاسی، حداقل در کوتاه مدت می شود. وجود مشروعیت سیاسی موجب افزایش قدرت تحمل مردم نسبت به نابسامانی ها و عملکرد ضعیف حکومت می شود.

شش : رویکرد هنجاری، در اندیشه بی سی. اسمیت، ثبات سیاسی حالتی است که در آن اعضای جامعه از الگوهای رفتاری واقع در محدوده های ناشی از انتظارات نقش سیاسی منحرف نشده باشند. هر جامعه ای مبتنی بر هنجارهای مخصوص به خود است و الگوهای رفتاری از نقش های سیاسی مرتبط با هنجارهای جامعه پدید می آیند.<sup>۲۳</sup> در این نظریات، شرط ثبات سیاسی توافق و سازگاری میان هنجارها و اهداف افراد جامعه اس و بنابراین، بی ثباتی هنگامی بروز می یابد که هنجارهای اجتماعی سابق توسط گروهی از مردم شکسته شود.

به هر حال معیاری که بتوان به وسیله آن نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان بی ثبات خواند،

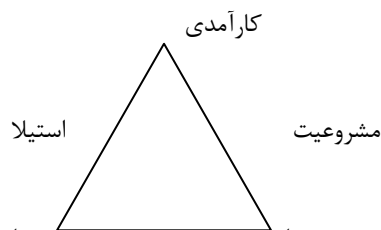
حکومت از سطح نیازهای اتباع عقب ماند، نارضایتی ایجاد می شود که می تواند به صورت بی ثباتی ظهور کرده یا توسط عوامل دیگر، خنثی شود.

یکی از عواملی که می تواند نارضایتی را خنثی نماید راه حل اجبار لیندبلاد است. در این شرایط اجبار حکومت به میزانی است که اتباع با وجود نارضایتی، شهامت و جسارت ابراز آن را ندارند و ثبات سیاسی مبتنی بر ترس مردم است. در این پژوهش این شرایط به عنوان استیلای حکومت تعبیر شده است. یکی دیگر از عواملی که می تواند نارضایتی را خنثی نماید مبتنی بر راه حل اقناع لیندبلاد است. یعنی مکانیسمی که اتباع را قانع می کند شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار، بلکه از روی رغبت و علاقه بپذیرند. در ادبیات علوم سیاسی این شرایط به مشروعیت حکومت تعبیر می شود بنابراین ثبات سیاسی حالتی است که یک یا دو و یا هر دو شرط فوق به نسبت های مختلف برقرار باشد. این شروط را می توان مثلث ثبات نامید که ثبات سیاسی نقطه ای درون مثلث بوده و میزان فواصل آن از هر یک از شروط خالص مشخص است.

معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییر ها و چالش ها در حکومت، رژیم یا جامعه نسبت مستقیم دارد.<sup>۲۵</sup>

به نظر می رسد بتوان از طریق ترکیب رویکردهای هفتگانه فوق با راه حل های سه گانه چارلز لیندبلاد، مدلی برای ثبات سیاسی ایجاد نمود. وظیفه ی اصلی حکومت در اغلب رژیم های سیاسی پاسخ گویی به نیازهای جامعه است. نیازهای جامعه را می توان به صورت طیفی در نظر گرفت که از نیاز های زیستی مانند خوردن و آشامیدن شروع شده و با نیاز های ایمنی مانند پوشاک و مسکن ادامه یافته و به نیاز های روانی، مانند شکوفایی و عزت نفس ختم می شود. مردم از حکومت انتظار دارند این نیاز ها را بر طرف نماید. در صورتی که حکومت موفق به برآوردن نیاز های مطرح شده توسط جامعه باشد، راه حل مبادله لیندبلاد صورت گرفته و نارضایتی در جامعه ایجاد نمی شود. در این پژوهش این شرایط به عنوان کارآمدی حکومت تعبیر شده است. بدیهی است هیچ حکومتی نمی تواند به صورت مطلق تمام نیازهای اتباع خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد

شکل ۲: مثلث ثبات



فرایند تغییرات سیاسی و اجتماعی است. بالعکس، بی ثباتی سیاسی پدیده ای ساده است که با از بین رفتن

در این تعریف، ثبات سیاسی پدیده ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن شرایط فوق در

مشکلاتی هم که در فرآیند پویایی سیستم ایجاد می شود، منبعث از هر یک از ابعاد کلیدی آن است. در عین حال، اگر مشکل به صورت موثر حل نشود تمام ابعاد را درگیر خواهد نمود. در فرآیند تحلیل سیستم نیز ابعاد سه گانه باید همزمان مورد توجه قرار گیرند<sup>۲۶</sup> مطالعاتی که برای تبیین علل بی ثباتی سیاسی انجام گرفته اند، متغیرهای مستقل مختلفی را مورد آزمون قرار داده اند که می توان آن ها را در سه مقوله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه بندی نمود<sup>۲۷</sup>. فقدان دموکراسی به عنوان عامل بی ثباتی سیاسی، ریشه در رویش حکومت دارد، ولی همزمان می توان ریشه هایی از آن را در ابعاد توسعه و تعارض نیز مشاهده نمود. از این رو، در این قسمت فقط به علل ثبات یا بی ثباتی سیاسی، بدون توجه به ارتباط اصلی آن ها با هر یک از ابعاد سه گانه پرداخته می شود.

#### ۱- محرومیت نسبی

به نظر تد رابرت گار، نارضایتی عمدتاً حاصل تصور شکافی غیر قابل تحمل است میان آنچه فرد دارد و آن چه احساس می کند استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است داشته باشد. در این رویکرد، تغییر سریع و شتابان اجتماعی، بی ثبات کننده تلقی شده و از طریق مکانیسم های روان شناسی اجتماعی معینی که محرومیت نسبی یا سرخوردگی نامیده می شود، موجب جنبش های اعتراضی می گردد در واقع، رفتار سیاسی خشونت آمیز مردم، نتیجه نارضایتی و نارضایتی محصول عدم تعادل های ساختاری کارکردی در جامعه است<sup>۲۸</sup>.

#### ۲- فرصت های سیاسی

یکی از این شرایط ظهور و بروز می یابد. بدیهی است هر چه نقطه ثبات سیاسی به گوشه فوقانی مثلث ( کارآمدی ) نزدیک تر باشد، پایدار تر خواهد بود، ولی احتمال وقوع بی ثباتی برای نقاطی که به گوشه چپ مثلث ( استیلا ) نزدیک ترند بیشتر است.

#### عوامل موثر بر ثبات و بی ثباتی سیاسی

برای بررسی عوامل موثر بر ثبات یا بی ثباتی سیاسی، تلاش می شود تبیین مارشال از سیستم اجتماعی و ابعاد بنیادین آن، محور اصلی بحث قرار گرفته و نظریات علمی مختلف در چارچوب آن مطرح شود. در دیدگاه مارشال، نظام اجتماعی به عنوان سیستمی در نظر گرفته می شود که دارای سه بعد بنیادین با روابط پیچیده شبکه ای و چند سطحی بوده و حالت خودکاری، خود تنظیمی، خود سازمانی و خود اصلاحی دارد.

در این سیستم، روابط پیچیده ای میان وجه پویایی سیستم ( یعنی عوامل انسانی و نیروهای محیطی ) و وجه ایستایی آن ( یعنی ساختار و وضعیت اجتماعی و فیزیکی ) برقرار است. هر تحولی در اجزای سه گانه، بر اجزای دیگر تاثیر گذاشته و هر گونه محدودیت یا ضعف در هر یک از ابعاد بنیادین، پیشرفت اجزای دیگر را نیز محدود می کند. رشد موفقیت آمیز نظام اجتماعی نیازمند وجود هم خوانی و هم افزایی در ابعاد کلیدی آن است. به بیان دیگر کارایی سیستم وابسته به عمل جمعی و تغییر هماهنگ ابعاد کلیدی است. تحول هر بعد نیز وابسته به ترکیبی از دو عامل است. یکی هماهنگ عملی که کارایی را در نظر دارد و دومی پذیرش داوطلبانه که مراد از آن مشروعیت است، یعنی حالتی که به تعبیر ملوین بست برای حفظ تعادل نیازی به استفاده از قدرت نباشد.



اقتصادی، علت اصلی آنومی است که سه روند را در پی دارد:

سکولاریزاسیون، فرد گرایی خودخواهانه و نابرابری. به نظر دورکیم، همچنان که اقوام گذشته به ایمانی مشترک نیاز داشتند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند، اقوام دنیای کنونی به عدالت نیازمندند<sup>۳۵</sup> در این نظریه مهم ترین علت بی ثباتی، عدم التزام مردم به قواعد اخلاقی منبعت از ارزش های دینی است که در دورانی از رشد سریع اقتصادی صورت می گیرد. در این وضعیت، ارزش های ابلاغ شده توسط حکومت با ارزش های مورد قبول جامعه در تعارض است.

#### ۵- کاهش مشروعیت

به عقیده هوروویتز و میلر، اصلی ترین منبع بی ثباتی، پایین بودن سطح مشروعیت رژیم است.<sup>۳۶</sup> دانکوارت ای، روستو نیز ثبات سیاسی را برابر با مشروعیت شخصی حاکمان به همراه مشروعیت نهادها می داند.<sup>۳۷</sup>

برخی معتقدند ثبات سیاسی یا وجود وفاق مداوم در جامعه، دلالت بر مشروعیت ترتیبات سیاسی جامعه دارد که در نتیجه سطوح مختلف مشارکت مردم در فرآیند تصمیم گیری پدید آمده است.<sup>۳۸</sup> برخی نیز میان امنیت سیاسی و ثبات سیاسی ارتباط برقرار نموده و معتقدند در امنیت سیاسی، صحبت ها تهدید هایی است که کمتر صبغه نظامی داشته و مرتبط با مشروعیت کشورهاست.<sup>۳۹</sup>

#### ۶- تنوع قومی و مذهبی

در جامعه ای که گروه های مختلف اجماعی با فرهنگ های مختلف و منزلت های اجتماعی متعارض وجود دارند، می توان شاهد بروز بی ثباتی های سیاسی در اثر ناهمخوانی ها، تفاوت ها، تبعیضات و

در تئوری بسیج منابع، نارضایتی عنصر تعیین کننده اعتراضات سیاسی خشونت آمیز نیست. بلکه ساختار فرصت ها، دامنه و شدت تضاد سیاسی خشونت بار در کشور را تعیین می کنند. (همان) تساهل یا سرکوب دولت، دامنه فرصت اعتراض را برای گروه های مختلف تغییر می دهد (همان) بر همین اساس، جوزف نای، ضعف مکانیزم های کنترل اجتماعی و سیاسی را علت اصلی بی ثباتی می داند.<sup>۲۹</sup> جوئل میگدال نیز بی ثباتی سیاسی را ناشی از ضعف دولت و نهادهای اقتدار می داند.<sup>۳۰</sup> به نظر هانا آرنه، هر گونه کاستی در اقتدار حکومت، به معنای دعوت به کشمکش های خشونت آمیز است.<sup>۳۱</sup> بالاخره، به نظر اپتر و آندرین، برداشت فرد از فرصت ها، به ویژه احتمال دست یابی به پیروزی، وی را در بر آن می دارد تا در جنبش اعتراضی شرکت نماید.<sup>۳۲</sup> البته حکومت های با سرکوب بالا اگر چه قادرند رفتارهای جمعی سیاسی را کنترل کنند، ولی احتمال بروز اعتراضات انفجاری را نیز افزایش می دهند.

#### ۳- عوامل خارجی و ساختارهای بین المللی

به باور جان فوران، تنش ها و کشمکش های سیاسی، تحت تاثیر عوامل بیرون از نظام صورت می گیرند.<sup>۳۳</sup> البته تعداد کمی از پژوهش گران برای این فرضیه که به صرف وجود وابستگی بی ثباتی سیاسی در کشور ایجاد می شود، شواهد تجربی یافته اند.<sup>۳۴</sup>

#### ۴- آنومی سیاسی

در نظر دورکیم، آنومی سیاسی وضعیتی است که در آن کنش گران نسبت به قواعد جامعه سیاسی التزام ندارند و پیروی از آن قواعد برایشان مطلوبیتی ندارد. از نظر دورکیم، صنعتی شدن سریع یا تغییر شتابان

سیاسی مهم در مخالفت با قوانین و اصول حکومت می‌داند. البته، برخی معتقدند وجود جنبش‌های اجتماعی پدیده‌های مخرب و بی‌ثبات‌کننده نیست، بلکه نوعاً بازگوکننده تقاضاها و مشکلات اجتماعی به حساب آمده و شناسایی نیازهای فزاینده مردم از راه تحلیل خواسته‌های آنان در دل جنبش اجتماعی قابل تحلیل است.<sup>۴۶</sup>

#### ۹- فرهنگ سیاسی دگرساز

داندروف سیستم‌های دگر ساز را عامل اصلی منازعه می‌داند. سیستم دگر ساز این ویژگی را دارد که همواره در جهت حذف نیروهای درونی و خودی است، یعنی در این سیستم هیچ‌گاه یکپارچگی شکل نمی‌گیرد، بلکه نشانه‌هایی از تعارض دائمی وجود داشته و این امر ناشی از عدم تحمل افراد بوده و فاقد ابعاد امنیتی واقعی است. به بیان دیگر مسائل غریزی جایگزین مسائل ناشی از محاسبه‌گری در منازعات می‌گردد.<sup>۴۷</sup>

#### ۱۰- مشکلات اقتصادی

شواهد تجربی فراوانی برای تأیید ارتباط مشکلات اقتصادی با بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد. برای نمونه ایسن و ویگا نشان دادند که میان درجه بالای بی‌ثباتی سیاسی و نرخ بالای تورم، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد. آلسینا به این نتیجه رسید که درآمد نابرابر باعث افزایش بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. جف هاینز ادعانمود که توزیع گسترده و عادلانه رشد اقتصادی، شرط لازم برای ثبات سیاسی در کشورهای جهان سوم است. به عقیده دوهان و زیر من، ناکامی در زمینه رشد اقتصادی به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌ود.

ستم‌ها<sup>۴۰</sup> بود. تنوع قومی و مذهبی ممکن است منجر به شکل‌گیری حس نژاد پرستی در میان اقوام مختلف گردد که عوامل نسل‌کشی در آمریکا، یوگوسلاوی، بوسنی و آلمان هیلتری<sup>۴۱</sup> بود در تکمیل این ادعا، آنت رابطه‌ای مثبت میان درجه تقسیم بندی قومی یا مذهبی هر کشور با دو موضوع بی‌ثباتی سیاسی و زوال حکومت با استفاده از الگوی رشد نئوکلاسیک کشف نمود<sup>۴۲</sup>.

#### ۷- ضعف دموکراسی

الکسی توکویل، ضمن تأکید بر تکامل همبستگی میان افراد جامعه، ادعا نمود وضعیت دموکراتیک در کشور منجر به تحقق ساختارهایی برای عبور موفقیت آمیز از بحران‌های سیاسی و اجتماعی و تحقق ثبات سیاسی می‌گردد<sup>۴۳</sup>. بسیاری از دانشمندان معتقدند دموکراسی ابزار قابل اعتمادی در راستای بقای وضع موجود است<sup>۴۴</sup>. سیستم دموکراسی بالغ، قادر است مسائل وابسته به تغییر اجتماعی را جذب کرده و به وسیله افزایش ظرفیت ایجاد صلح، شرط لازم برای انباشت سرمایه‌های مادی و انسانی و در نتیجه، ثبات سیاسی را به وجود آورد.

#### ۸- وجود جنبش اجتماعی در مخالفت با حکومت

با توجه به افزایش مشارکت سیاسی در خلال قرن بیستم، امروزه شهروندان با مطالبه خواست‌های گوناگون، در پی پیوستن به جنبش‌های اعتراض آمیز هستند. با آن که تعداد شرکت‌کنندگان در اقدامات اعتراض آمیز از جمله تظاهرات، راهپیمایی، تحریم، تحصن و درگیری با نیروهای پلیس، روز به روز به کاهش است، ولی تعداد رفتارهای اعتراض آمیز به تازگی افزایش یافته است<sup>۴۵</sup>. سیمور لیپست در کتاب انسان سیاسی، علت اصلی بی‌ثباتی را وجود جنبش

گرا بر علی نگری تاکید می شود، ولی در رهیافت های دیگر توصیه شده است که به جای علت در امور انسانی از انگیزه استفاده شود<sup>۴۸</sup> بی ثباتی سیاسی دارای علل یا انگیزه های مختلفی است ( ساختاری، پویا، فوری، بی واسطه، محرک، تسریع کننده، کاهنده و مانند آن ها ) بنابراین می توان استدلال نمود که هر یک از متغیر های ده گانه فوق دارای تاثیر برابر یا همانند بر ثبات سیاسی نیستند و وجود رابطه مستقیم میان آنها و ثبات سیاسی مورد تاکید قرار گرفته است.

بدیهی است بیشترین حجم مطالعات صورت گرفته در خصوص ثبات یا بی ثباتی سیاسی، مربوط به ارتباط مشکلات اقتصادی یا بی ثباتی سیاسی است. کاستی های اقتصادی که بیانگر ناکارآمدی حکومت برای تامین نیاز های مردم است، شکافی میان ملت و دولت ایجاد می کند که اگر با مشروعیت یا استیلا جبران نگردد، به احتمال بسیار زیاد منجر به بی ثباتی سیاسی خواهد شد. کشورهایی که ثبات را در نبود هر گونه نقد و ارزیابی و تبعیت شهروندان از نظام سیاسی در تمامی حالات می دانند. با توجه به این که در رهیافت های طبیعت

#### آمارهای میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی و رئیس جمهوری کشورهای مختلف جدول: میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری یا پارلمانی کشورها

ردیف	نام کشور	سال	درصد مشارکت	نوع انتخابات
1	افغانستان	2009	38.8	ریاست جمهوری
2	الجزایر	2009	74.55	ریاست جمهوری
3	اتریش	2010	53.56	ریاست جمهوری
4	بلغارستان	2011	48.25	ریاست جمهوری
5	جمهوری دمکراتیک کنگو	2011	59.05	ریاست جمهوری
6	کروواسی	2010	50.12	ریاست جمهوری
7	جمهوری چک	2013	59.08	ریاست جمهوری
8	مصر	2012	51.85	ریاست جمهوری
9	فنلاند	2012	68.86	ریاست جمهوری
10	فرانسه	2012	80.35	ریاست جمهوری
11	گواتمالا	2011	60.83	ریاست جمهوری
12	هائیتی	2011	22.36	ریاست جمهوری
13	هندوراس	2009	49.88	ریاست جمهوری
14	ایسلند	2012	69.32	ریاست جمهوری
15	ایرلند	2011	56.11	ریاست جمهوری

16	قرقیزستان	2011	61.28	ریاست جمهوری
17	لیتوانی	2009	57.76	ریاست جمهوری
18	مقدونیه	2009	42.36	ریاست جمهوری
19	مکزیک	2012	63.14	ریاست جمهوری
20	نیجر	2011	48.96	ریاست جمهوری
21	نیجریه	2011	53.68	ریاست جمهوری
22	پاراگوئه	2013	68.02	ریاست جمهوری
23	لهستان	2010	55.31	ریاست جمهوری
24	پرتغال	2011	46.52	ریاست جمهوری
25	رومانی	2009	58.02	ریاست جمهوری
26	روسیه	2012	65.27	ریاست جمهوری
27	سنگال	2012	57.12	ریاست جمهوری
28	صربستان	2012	46.26	ریاست جمهوری
29	اسلووکی	2009	51.67	ریاست جمهوری
30	اسلوونی	2012	42.41	ریاست جمهوری
31	تانزانیا	2010	42.84	ریاست جمهوری
32	اوکراین	2010	69.7	ریاست جمهوری
33	آمریکا	2012	57.5	ریاست جمهوری
34	ونزوئلا	2012	80.28	ریاست جمهوری
35	یمن	2012	64.78	ریاست جمهوری
36	ارمنستان	2012	62.78	پارلمانی
37	آذربایجان	2010	49.75	پارلمانی
38	بحرین	2010	67	پارلمانی
39	بلغارستان	2013	52.49	پارلمانی
40	کانادا	2011	61.40	پارلمانی
41	کلمبیا	2010	43.75	پارلمانی
42	کرواسی	2011	54.17	پارلمانی
43	استونی	2011	63.53	پارلمانی
44	فنلاند	2011	67.37	پارلمانی

45	فرانسه	2012	55.4	پارلمانی
46	گرجستان	2012	59.76	پارلمانی
47	آلمان	2009	70.78	پارلمانی
48	یونان	2012	62.47	پارلمانی
49	مجارستان	2010	46.66	پارلمانی
50	هند	2009	58.19	پارلمانی
51	عراق	2011	64	پارلمانی
52	ایتالیا	2013	75.19	پارلمانی
53	ژاپن	2012	59.32	پارلمانی
54	اردن	2012	56.5	پارلمانی
55	کویت	2012	59.53	پارلمانی
56	لبنان	2009	53.98	پارلمانی
57	لیتوانی	2012	35.91	پارلمانی
58	هلند	2012	74.56	پارلمانی
59	اسپانیا	2011	68.94	پارلمانی
60	سوئیس	2011	49.1	پارلمانی
61	بریتانیا	2010	65.77	پارلمانی

نگاه آماری به میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری ایران نشان می‌دهد همواره مردم حضور گسترده‌ای در پای صندوق‌های رأی داشته‌اند و این حضور کمتر دچار نوسان شده است.

دوره	زمان برگزاری	رئیس جمهور منتخب	درصد مشارکت
اول	بهمن ۱۳۵۸	ابوالحسن بنی‌صدر	67.86
دوم	مرداد ۱۳۶۰	محمد علی رجایی	62.24
سوم	مهر ۱۳۶۰	سید علی خامنه‌ای	74.26
چهارم	مرداد ۱۳۶۴	سید علی خامنه‌ای	54.78
پنجم	مرداد ۱۳۶۸	اکبر هاشمی رفسنجانی	54.56
ششم	خرداد ۱۳۷۲	اکبر هاشمی رفسنجانی	50.66
هفتم	خرداد ۱۳۷۶	سید محمد خاتمی	76.66

هشتم	خرداد ۱۳۸۰	سید محمد خاتمی	67.77
نهم / مرحله اول	خرداد ۱۳۸۴	-	62.66
نهم / مرحله دوم	تیر ۱۳۸۴	محمود احمدی نژاد	56.82
دهم	خرداد ۱۳۸۸	محمود احمدی نژاد	85
یازدهم	خرداد ۱۳۹۲	حسن روحانی	72.8

### نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از مهمترین هدف‌هایی که ملت مسلمان ایران در پی ریزی انقلاب اسلامی به دنبال آن بوده و در چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران نیز به روشنی مطرح گردیده است، پی ریزی یک تمدن و جامعه‌ی پیشرفته بر مبنای اصول و آرمان‌های اسلامی است که در این سه دهه مورد توجه قرار گرفته است. با این حال به رغم تلاش‌ها و برنامه ریزی‌ها صورت گرفته در کشور برای ترمیم و اصلاح مبانی مدیریتی به خصوص در بخش‌ها و سازمان‌های دولتی و تنظیم راهبردهای و چشم اندازهای اجرایی در عرصه مدیریت، فقدان یک الگوی توسعه مبتنی بر مبانی هویتی و متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی فعلی مشهود است. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نگاهی آسیب‌شناسانه به مبانی و فرآیند تدوین برنامه‌های توسعه و پیشرفت هم جانبه و در ابعاد دنیوی و اخروی انسان، می‌تواند ما را در یافتن ریشه‌ی ناکارآمدی‌های برخی از مکاتب و الگوها مدد رساند. بنابراین، هدف توسعه اسلامی-ایرانی، رسیدن به ارزش‌های متعالی انسان است که در هدف خلقت انسان منظور شده است. با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت تبیین ابعاد و محورهای عمده ی توسعه انسانی که متکی بر فلسفه الهی باشد،

محسوس است. الگوی اسلامی ایران پیشرفت، یعنی «نقشه جامع حرکت و تکامل اسلامی جامعه ایران». اسلامی بودن الگو علاوه بر ابتنا بر اصول و ارزش‌های اسلامی، مستلزم روش تحلیل و مبانی معرفتی اسلامی نیز هست. از دوره ۱۲۸۵ شمسی (مصادف با پیروزی مشروطیت در ایران) تا ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مطالعات و تقسیم بندیهای گوناگونی پیرامون مشارکت سیاسی مردم ایران صورت پذیرفته شده است. روند حضور مردم در عرصه های سیاسی کشور با فراز و نشیبهای فراوانی روبرو بوده است اما اوج و نماد بروز آن در بهمن ۵۷ متجلی می گردد جایی که اراده مردم بر اراده حاکمان وقت پیروز گردید. پس از پیروزی انقلاب رفته رفته حضور و مشارکت سیاسی مردم در طی دهه های پس از انقلاب رنگ و بوی بیشتری می یابد و این حضور پررنگ به ثبات سیاسی نظام جمهوری اسلامی منجر می گردد. آلموند و وربا، فیلد و کاسلز ایده لیپست را گسترش می دهند و آنرا مکتب تداوم می نامند و آنرا واحد سیاسی می نامند که ساختار نهادی خود را در طول زمان حفظ کند. دوره جمهوری اسلامی ایران با نگاه عاملیت حضور سیاسی مردم طبق آمارهای ارائه شده در قبل کمتر دچار نقصان و یا فراز و نشیبهای فراوان بوده است و بر خلاف چارچوب رابرت دال، ساموئل هانتینگتون و لوسین پای که همگی بر

البته به نقش بی بدیل ولایت فقیه که نقش خود را در عبور از حوادث پس از انقلاب به خوبی نمایان کرده است نیز باید اشاره شود. ولایت فقیه در مفهوم رهبری جامعه اسلامی است و از آنجایی که مقام معظم رهبری شخصیتی برخوردار است از متن جامعه هستند در پیشبرد اهداف انقلاب نقشی بی بدیل دارند. در حقیقت در جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه رکن اصلی حکومت اسلامی بوده و عامل گذر از فتنه ها و اتحاد در کشور بوده اند و تقویت این جایگاه و تبعیت محض از ولایت فقیه به عنوان یکی از مولفه های اصلی در پایداری ثبات سیاسی توصیه می گردد.

در همین راستا پیشنهاد می گردد:

۱- با تقویت مولفه های هویت ملی و بهره گیری از فرهنگ ایثار و شهادت در بین تمام اقشار جامعه زمینه مشارکت حداکثری مردم در عرصه های گوناگون سیاسی فراهم شود.

۲- به منظور افزایش گرایش مردم به حضور در عرصه های سیاسی و خصوصاً انتخابات در مراحل مختلف از همکاری آنان استفاده گردد.

۳- به منظور جلوگیری از ورود نامزدهای با پیشینه نا مشخص و جلوگیری از نفوذ عناصر نامناسب در انتخابات و در نتیجه دلسرد شدن مردم از شرکت در عرصه های سیاسی معرفی نامزدها توسط احزاب قانونی که به اصول نظام پایبند هستند به عنوان فیلتر تعیین اولیه صلاحیت استفاده شود.

۴- فضای مناسب برای تبادل نظر مردم از طریق رسانه ها صورت پذیرد.

۵- فعالیتهای اطلاعاتی و تبلیغاتی جامعه در قبل و حین انتخابات رصد شده و در خصوص مواردی که در

تشکیل و نهادینگی احزاب سیاسی به شکل نظام دو حزبی یا چند حزبی دارای یک حزب مسلط پیش از شکل گیری عرصه های سیاسی برای حفظ ثبات سیاسی دولتهای جهان سوم تاکید کرده اند، به ارائه الگویی تازه در حفظ و تداوم ثبات سیاسی با حضور فعال مردم در مشارکتهای سیاسی انجامیده است. در انقلاب اسلامی، مردم عاملان اصلی انقلاب بوده اند و وارثان اصلی پیروزیهای حاصل از آن نیز هستند ضمن اینکه تثبیت این پیروزی ها و تداوم بقا در گرو نقش و حضور مستقیم مردم در فرایندهای سیاسی است. در گفتمان انقلاب، حضور گسترده مردم در صحنه ها و نقش پذیری آنها در فرایند انقلاب پیامدهای گوناگونی را برای تثبیت بقا و تداوم نظام به همراه می آورد. با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ جلوه قدرت مردمی در تغییر یک نظام سیاسی خودنمایی کرد و در حقیقت یکی از قابلیت‌های ویژه نظام اسلامی غلبه بر چالشها با حضور مردم در عرصه های گوناگون سیاسی بوده است. به علت نهادینه نشدن فعالیت حزبی در جمهوری اسلامی ایران مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی اشکال گوناگونی به خود گرفته که راهپیمایی ها، فرا خوانها، حضور در نماز جمعه و... را می توان بخشی آن دانست اما مشارکت در انتخابات را می توان مهمترین جلوه مشارکت سیاسی مردم دانست، اما اینکه این ابزار قدرت چه ارتباطی می تواند با ثبات سیاسی داشته باشد موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته شد و این نتیجه حاصل گردید که بین شرکت مردم در عرصه های گوناگون و ثبات سیاسی موجود کشور ارتباط معنا داری وجود دارد که می توان از این ظرفیت در راستای ارتقای ثبات سیاسی در کشور بهره گرفت.

بین مردم ابهام وجود دارد، پیش از ورود رسانه های بیگانه اطلاع رسانی صحیح و به موقع صورت پذیرد.  
۶- استفاده از اماکن مذهبی به عنوان یک رسانه غیر دولتی برای افزایش سطح آگاهی مردم.

## منابع:

۱. صالحی، ا.، محراییان، ز. (۱۳۸۷). بررسی انسان شناسی اسلامی و انسان شناسی وجودگرا و مقایسه آنها، تربیت اسلامی، دوره ی سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان، ص ۱۳۹-۱۶۰.
۲. ایزدی یزدان آبادی، ا. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی آرای حکما و اندیشمندان ایرانی - اسلامی درباره ی انسان کامل، خردنامه صدرا، ص ۴۰-۶۰.
۳. ایمان، م. (۱۳۸۷). ارزیابی پارادایمی انسان به عنوان عنصر اساسی در طراحی پارادایم الهی روش شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۴.
۴. قیوم زاده، م. (۱۳۸۱). معیار مصرف الگویی در مدل اسلامی، ماهنامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۵ و ۳۶.
۵. حمزه پور، ع. (۱۳۸۸). مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان.
۶. علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی، تهران، تهران، ۱۳۵۵، ج ۵، ص ۳۳۱.
۷. عباس و منوچهر آریانپور، فرهنگ دانشگاهی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۵۶۱.
۸. نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، نشر وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹.
۹. مایکا راشل، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، نشر سمت تهران، ۱۳۷۷، ص ۴۰.
۱۰. جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، نشر سروش، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۶۹.
۱۱. قرآن کریم، سوره رعد آیه ۱۱.
۱۲. قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۳.
۱۳. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۴۶۱.
۱۴. سید عباس نبوی، مردم سالاری در حاکمیت اسلامی، تهران، ص ۹۵.
۱۵. محمد علی، وکیلی ( جایگاه کارکرد های احزاب در نظام سیاسی اسلام ) تحزب و توسعه کتب سوم، نشر همشهری، تهران، ۷۶، ص ۲۲۲.
۱۶. قانون اساسی، اصل هشتم.



۱۷. گار ، تد رابرت ( ۱۳۷۶ ) ؛ چرا انسان ها شورش می کنند ، ترجمه علی مرشدی زاده ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ص ۲۴
۱۸. پناهی ، محمد عادل ( ۱۳۸۴ ) درآمدی بر ثبات سیاسی : به سوی شناخت گونه ها و شاخص ها ، راهبرد ، شماره سی و یکم ، بهار ( ۳۴-۴۲ ) صص ۳۴-۳۵-۳۶
۱۹. همان ، ص ۳۶
۲۰. عظیمی دولت آبادی ، امیر ( ۱۳۸۷ ) ؛ منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، صص ۶۷-۸۶-۹۰-۹۱-۹۲
۲۱. پناهی ، محمد عادل ( ۱۳۸۴ ) درآمدی بر ثبات سیاسی : به سوی شناخت گونه ها و شاخص ها ، راهبرد ، شماره سی و یکم ، بهار ( ۳۴-۴۲ ) صص ۳۴-۳۵-۳۶
۲۲. همان ، ص ۳۶
۲۳. خواجه سروی ، غلامرضا ( ۱۳۸۵ ) چارچوبی برای تحلیل رقابت سیاسی و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران دو فصل نامه دانش سیاسی ، شماره سوم ، بهار و تابستان ، صص ۹۸ -
۲۴. ساندرز ، دیوید ( ۱۳۸۰ ) ، الگوهای بی ثباتی سیاسی ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی ، صص ۱۱۷ - ۱۱۰-۱۲۰-۴۲-۱۰۶
۲۵. خواجه سروی ، غلامرضا ( ۱۳۸۵ ) چارچوبی برای تحلیل رقابت سیاسی و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران دو فصل نامه دانش سیاسی ، شماره سوم ، بهار و تابستان ، صص ۹۸ - ۱۰۶
26. - Marshall , Monty G ( 2008 ) , **Fragility , Instability and the failure of state** , New yourk : Carnegie Corporation P.4
27. -Xu , Tianqi ( 2011 ) , **the Determinants of political instability** : A Regression Analysis thesis Political Science & Economics , Marietta College , Marietta : Marietta college 1-37 P.4
۲۸. سیف زاده ، حسین و حسین گلپایگانی ( ۱۳۸۸ ) محرومیت نسبی و چرخش رای در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ، فصلنامه سیاست ، دوره ۳۹ ، شماره ۳ ، ۲۴۷ - ۲۶۶ - ص ۲۴۹
۲۹. عظیمی دولت آبادی ، امیر ( ۱۳۸۷ ) ؛ منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، صص ۶۷-۸۶-۹۰-۹۱-۹۲
۳۰. ساندرز ، دیوید ( ۱۳۸۰ ) ، الگوهای بی ثباتی سیاسی ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی ، صص ۱۱۷ - ۱۱۰-۱۲۰-۴۲
۳۱. دلاوری ، ابوالفضل ( پاییز ۱۳۸۷ ) در آمدی نظری بر حل منازعات سیاسی ، فصل نامه یاست ، مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، دوره ۳۸ ، شماره ۳ ، ص ۴۶
۳۲. -ازغندی ، علیرضا ( ۱۳۸۵ ) در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران ، تهران : قومیس ، صص ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۲۹

۳۳. اپتر ، دیوید ای ، و جارلز اف آندرین ( ۱۳۸۰ ) **اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی** ، مترجم محمدرضا سعید آبادی ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ص ۲۱ - ۱۷ - ۱۸
۳۴. ازغندی ، علیرضا ( ۱۳۸۵ ) **در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران** ، تهران : قومیس ، ص ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۲۹
۳۵. طالبان ، محمدرضا ( پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ) ، اثر وابستگی اقتصادی بر کشمکش سیاسی شورشی ، **مجله جامعه شناسی ایران** ، سال ۹ - شماره ۳ - ۴ - ۱۶۵ - ۱۹۳ ص ۱۸۵
۳۶. رجب زاده ، احمد و مسعود کوثری ( مهر ۱۳۸۲ ) **آنومی سیاسی در ایران** ، نامه علوم اجتماعی ، شماره ۲۱ ، صص ۳۲-۳۲۹
۳۷. ساندرز ، دیوید ( ۱۳۸۰ ) ، **الگوهای بی ثباتی سیاسی** ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی ، صص ۱۱۷ - ۱۱۰ - ۱۲۰ - ۴۲
۳۸. خواجه سروی ، غلامرضا ( ۱۳۸۵ ) چارچوبی برای تحلیل رقابت سیاسی و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران **دو فصل نامه دانش سیاسی** ، شماره سوم ، بهار و تابستان ، صص ۹۸ - ۱۰۶
39. - Tsurutani , Taketsugu ( Now 1968 ) , “ Stability and instability : A Note in Comparative political Analysis “ **the Journal of politics** ( Cambridge University press ) Vol.30 , no 4 - 910-933 P.918
۴۰. عباس زاده ، هادی و کامران کرمی ( بهار ۱۳۹۰ ) **سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی** ، سال ۱۴ ، شماره ۱ ، صص ۳۱-۵۷ صص ۴۵
۴۱. ازغندی ، علیرضا ( ۱۳۸۵ ) **در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران** ، تهران : قومس ، ص ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۲۹
42. opondo , Abiero (2007) **Ethnicity : a cause of political instability in africa**. [www.avu.org](http://www.avu.org) , Rwanda : Kigali institute of education.
43. Annett , Amthony (2001 ) “ Social fractionalization political instability and the size of government “ **international Monetary fund Vole 48. No. p596**
۴۴. ازغندی ، علیرضا ( ۱۳۸۵ ) **در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران** ، تهران : قومس ، ص ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۲۹
۴۵. امیر کواسمی ، ایوب ( ۱۳۸۹ ) بررسی نقش بازدارنده دموکراسی از بروز انقلابات سیاسی ، **فصلنامه سیاست** ( دانشکده حقوق و علوم سیاسی ) ۴۰ - شماره ۲ ، صص ۳۹ - ۵۸ ص ۵۶
۴۶. اپتر ، دیوید ای ، و جارلز اف آندرین ( ۱۳۸۰ ) **اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی** ، مترجم محمدرضا سعید آبادی ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ص ۲۱ - ۱۷ - ۱۸
۴۷. -شفیعی ، جمال ( پاییز ۱۳۸۲ ) ، جنبش های اجتماعی در ایران ؛ زمینه ها و چالش ها ، **فصلنامه مطالعات راهبردی** سال ششم ، شماره سوم ، صص ۶۵۷

۴۸. متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، درآمدی بر منازعات سیاسی اجتماعی، جزوه درسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ص ۱۳۰